

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۳۹

۲۵ شهریور ۱۳۹۵ / ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶



حکم شاق

شلاق و تن‌آزرده‌گان جامعه‌ای زخمی



عدم مشروعیت مجازات شلاق در زمانه ما



شلاق در ملاءعام: ضربه بر پیکر عریان روح



افراط در عربستان و بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ مجلس کویت

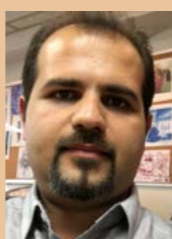


مجازات شلاق در حد هم قابل تغییر است



شلاق‌های جنجالی

کارتون



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: نعیمه دوستدار، علی مهتدی، مانا مسرور آیدا قجر

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

در این شکل از مجازات را بررسی می‌کند و تحقیر انسان‌های شلاق به تن نشسته را به یاد می‌آورد.

هم او و هم مانا مسرور، نویسنده میهمان این شماره، حکم شلاق سمیه توحیدلو و اظهاراتش پس از تحمل ضربات شلاق را یادآوری می‌کنند که از حس تحقیر شدن نوشته بود. مسرور مروری می‌کند بر حکم‌های جنجالی شلاق در سال‌های اخیر.

همکار دیگر مجله، علی مهتدی، در گزارش خود به حکم شلاق در کشورهای مختلف اشاره کرده است. گزارش او را می‌توانید ذیل عنوان «تعزیر در کشورهای اسلامی: افراط در عربستان و بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ مجلس کویت» بخوانید و پیشرفت‌ها و پسرقت‌های حقوقی این کشورها را ارزیابی کنید.

همان‌طور که فرشتیان در مقاله حقوقی این شماره نوشته است، «فقط حکم‌دهنده و شلاق‌زننده در اجرای این نمایش خشونت دخیل نیستند، بلکه مردمی که به تماشای این نقش خشونت می‌روند نیز دخیل هستند. نقش مردم در این مجازات دادن، باید تفهیم شود. به تماشای مجازات رفتن، همکاری با مجازاتگر است.»

کارتون رضا مختار جوزانی در صفحه آخر شماره ۳۹، بازتاب‌دهنده این جملات و نقش مردمی است که شلاق خوردن هم‌نوع خود را به تماشا می‌نشینند.

شاید بی‌پایه نباشد اگر بگوییم با شلاق خوردن هر عضو جامعه، زخم آن بر تن تمامی اعضا می‌نشیند. زخمی که شاید درد آن به واسطه داروهای سکرآور و بی‌حس کننده اجتماع به طور موقت حس نشود اما زخم اگر درمان نشود، عفونت آن دامن‌گیر همگان خواهد شد.

سیستم قضایی ایران چه می‌توان کرد؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که همکاران مجله حقوق ما در شماره ۳۹ سعی کرده‌اند تا پاسخی برای آن‌ها بیابند.

آیدا قجر به سراغ حسن یوسفی اشکوری، محقق و دین‌پژوه رفته و همچنین با صدیقه و سمنی، دکتر در فقه و مبنای اسلامی، گفت‌وگو کرده است تا ببیند آیا در چارچوب قوانین اسلامی راهی برای جایگزین کردن مجازات شلاق وجود دارد؟

وسمنی معتقد است که حد یا تعزیر خواندن مجازات‌ها، تعاریفی است که فقها بر اساس تفسیر خود ارائه داده‌اند و «هیچ‌کدام حرف اولیه اسلام نیست.» به بیان دیگر «هر آن‌چه درباره اسلام بیان می‌کنیم نوعی تفسیر و تحلیل از اسلام است. حتی بحث شریعت اسلام و قوانین مربوط به آن.»

اشکوری می‌گوید ما ابتدا باید این سوال را مطرح کنیم که آیا آن‌چه در زمان پیامبر اسلام اجرا شده، بنا بوده تا روز قیامت اجرا شود یا خیر: «این یک سوال مبنایی است که تا حل نشود بقیه بحث‌ها با فقها و علما آب در هاون کوبیدن یا وسط دعوا نرخ تعیین کردن است.» این گزارش را می‌توانید ذیل عنوان «مجازات شلاق در حد هم قابل تغییر است» بخوانید.

در مطلب حقوقی این شماره، حسن فرشتیان تلاش می‌کند تا راه‌کارهای حقوقی ممنوعیت حکم شلاق در ایران را با توجه به حاکمیت سیستم جمهوری اسلامی مورد توجه قرار دهد. او در بخش نخست مقاله خود، نگاهی تاریخی به مجازات شلاق می‌افکند و سپس «مجازات شلاق در صدر اسلام» و «در زمان ما» را بررسی می‌کند و در نهایت، به ارائه «راه حل برای ممنوعیت شلاق» می‌پردازد.

نعیمه دوستدار از «ضربه بر پیکر عریان روح» می‌نویسد، بازدارندگی یا عادی‌ساختن خشونت



شلاق و تن‌آزرده‌گان جامعه‌ای زخمی



کامبیز غفوری

موضوع‌های بحث در علوم انسانی است. با این حال در سیستم قضایی کنونی ایران یک چیز مشخص است: قوانین ما از روزگار، از جامعه جهانی و در بسیاری از موارد، از توده‌های مردم عقب‌تر هستند. ضربه زدن به جسم و خرد کردن روح انسان به هر دلیل، به‌خصوص دلایلی شخصی چون نوشیدن مشروب الکلی یا همخوابگی با فردی دیگر، در هزاره بیست‌ویکم چه معنایی دارد؟ آیا این از مختصات قوانین داخلی یک کشور است و همگان ملزم به قبول آن؟ ریشه آن در قوانین اسلامی چیست و در

این موضوع که آیا حرکت به سوی جامعه‌ای برابر، مردمانی قانون‌مند و قوانینی انسانی، بیشتر به دست طبقه حاکم صورت می‌گیرد یا مردم، یکی از

عدم مشروعیت مجازات شلاق در زمانه ما



حسن فرشتیان

پیشگفتار:

هرگونه مجازات بدنی، از جمله مجازات «شلاق»، خوار کننده و تحقیر کننده انسان است. در مجازات «شلاق»، انسان به چهارپایی تشبیه می‌شود که برای فرمانبری بایستی تازیانه بخورد. برای مشروعیت این مجازات به منابع دینی استناد می‌شود که بر مبنای آن، مجازات برخی از جرائم، شلاق است. برای جلوگیری از اجرای این مجازات، راهکارهای متعددی وجود دارد. یکی از این راهکارها، نفی مجازات شرعی به هر شیوه‌ای است. با توجه به این که هدف از این نوشتار، تلاش برای ممنوعیت آن در ایران است و با توجه به حاکمیت سیستم جمهوری اسلامی، در این نوشتار تلاش شده است از زاویه شرعی نیز این مساله مورد توجه قرار گیرد تا راه حلی حقوقی-شرعی برای شرایط کنونی ارائه شود.

در بخش نخست، نگاهی تاریخی به مجازات شلاق خواهیم افکند. سپس «مجازات شلاق در صدر اسلام» و «در زمان ما» بررسی خواهد شد. در بخش پایانی به ارائه «راه حل برای ممنوعیت شلاق» خواهیم پرداخت.

بخش اول: نگاهی تاریخی به مجازات شلاق

«مجازات‌های بدنی» و به ویژه مجازات «شلاق» در دوران باستان، یکی از رایج‌ترین مجازات‌ها بود. اینگونه مجازات‌ها تا همین اواخر در بسیاری از مناطق جهان رایج بود.

الف- مجازات بدنی:

در دوران باستان، مجازات بدنی امری رایج شمرده می‌شد. در رم و یونان باستان نیز انواع مجازات‌های بدنی، از قبیل انداختن متهم در سطل یا در قفس و تازیانه زدن وی رایج بود. این مجازات‌ها سریع‌ترین و ساده‌ترین شیوه تشبیه بود، زیرا بدن متهم، موضوع مجازات و در دسترس حاکمیت بود، لذا این مجازات با کمترین هزینه فوراً قابلیت اجرایی داشت. حبس، امری استثنایی بود و بین دو روز تا حداکثر یک هفته مقرر می‌شد تا متهم محاکمه و مجازات شود.^۱

1. TOUREILLE Valérie, Crimes et Châtiments au Moyen Age, Paris, Éditions du Seuil, janvier 2013.

متهمین به جرائم آتش زدن، در آتش سوزانده می‌شدند. متهمین به جرائم علیه پادشاه، زبان یا گوششان بریده می‌شد. حتی برای بدهی‌های مالی، مقررات کیفری بدنی مقرر شده بود. در روم باستان، بستانکار حق داشت بدهکار را نزد خویش حبس کند تا بستگانش بدهی وی را بپردازند، پس از شصت روز، در صورت عدم پرداخت بدهی، حق داشت بدهکار را به عنوان برده بگیرد یا به عنوان برده بفروشد، در صورت تعدد بستانکاران، بدهکار قطعه قطعه شده و بین بستانکاران تقسیم می‌شد.^۲

از قرن سیزدهم به بعد، اندک اندک مجازات حبس جایگزین

2. FERECHTIAN Hassan, Le contrat en droit iranien, Paris, Les Indes savantes, 2005, n° 78 et s.



برخی از مجازات‌های بدنی شد.^۳ اما مجازات‌های بدنی سبک، امری متعارف بود. با پوزش از خوانندگان، به نظر می‌رسد ضرب‌المثل‌هایی مثل «تا نباشد چوب تر- فرمان نبرند گاو و خر»، «چوب معلم گله- هر کی نخوره خُله» که در محاورات عمومی استفاده می‌شد و می‌شود، حکایت از پذیرش نسبی این مجازات‌ها تا همین دوران اخیر است.

ب- مجازات تازیانه:

در دوران باستان، در کنار استفاده از ابزارهایی مثل چوب و سنگ، استفاده از شلاق ابتدایی‌ترین ابزارهای دفاعی و

3. BASLEZ Marie-Françoise, Persécutions dans l'Antiquité : Victimes, héros, martyrs, Fayard, 2007

تهاجمی بود. رابطه انسان‌ها با یکدیگر به شدت تحت تاثیر رابطه آنان با طبیعت بود. در رابطه با جهان طبیعت، برای رام کردن حیوانات از ابزار شلاق استفاده می‌شد. همین رابطه به شکلی طبیعی به رابطه انسان‌ها با یکدیگر سرایت کرد. همچنانکه برای اهلی کردن چارپایان وحشی، ابزار تازیانه بکار برده می‌شد، برای تادیب انسان‌های خطاکار نیز از تازیانه استفاده می‌شد.

بخش دوم: مجازات شلاق در صدر اسلام

در زمان پیدایش اسلام، تشبیه با تازیانه و شلاق، مجازاتی عرفی محسوب می‌شد که در آن هنگام، نه تنها در بین اعراب، بلکه در بین سایر ملل جهان نیز رواج داشت.

الف - احکام تاسیسی و احکام امضایی:

احکام اسلام بر دو نوع هستند: تاسیسی و امضایی. احکام تاسیسی احکامی هستند که اسلام، آن احکام را ایجاد کرده است، ولی احکام امضایی احکامی هستند که پیش از اسلام نیز در محیط شبه جزیره عربستان وجود داشته و برای آن مردم امری متعارف و آشنا بوده است، پیامبر به عنوان قانونگذار، این احکام را تایید و امضا کرده است.

برای نقد و بررسی احکام تاسیسی، بایستی «ریشه و فواید آن احکام در زمان نزول» را مورد بررسی قرار داد. یعنی باید دید فلسفه تشریح آن چه بوده است؟ ولی برای نقد و بررسی احکام امضایی، نمی‌توان به فلسفه تشریح بسنده کرد، زیرا فرض بر آن است که آن احکام، پیش از آن نیز رایج بوده اند و اکنون قانونگذار آنها را به رسمیت شناخته است، در این حالت، بایستی به «فواید رسمی شناخته شدن» توجه کرد. یعنی باید دید هنگامی که امضا شده است آیا بگونه‌ای امضا شده است که حاوی سودی برای جامعه بوده است یا نه؟

مجازات شلاق، از احکام امضایی است.

ب- پیام مقررات جزایی اسلام در زمانه ما:

با توجه به ادعای اسلام، که دینی پایدار خواهد بود، پیام تصویب مجازات‌های امضایی مثل شلاق، برای سایر زمان‌ها چیست؟

در مورد مجازات تاسیسی، بایستی عناصر پیام آن‌ها تفکیک شود تا ببینیم چه عناصری برای آن زمان و مکان و فقط برای معاصران پیام در مکه و مدینه، پیام داشته است، و چه

د- وهن به اسلام:

بدون تردید، اجرای برخی از مجازات‌های شرعی موجب وهن اسلام می‌شود. مسئولان جمهوری اسلامی نیز به این امر واقف بوده و هستند. از مسئولان وقت قضایی ایران نقل شده است که در پرسشی که از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در زمینه اجرای برخی از این احکام شده است، پاسخ داده بود که اگر اجرای این احکام موجب وهن اسلام است بایستی از اجرای آن خودداری کرد.^۸

ه- تاثیر سوء شلاق بر بینندگان:

در اجرای کنونی مجازات شلاق، به ویژه در ملاء عام، فقط شلاق خورنده محکوم نمی‌شود، بلکه آسیب‌های روحی و روانی به بینندگان نیز منتقل می‌شود، به ویژه اطفال و اقشار آسیب پذیر روحی که به دیدن این مراسم می‌روند.

و- مشارکت بینندگان در خشونت:

فقط حکم‌دهنده و شلاق‌زننده در اجرای این نمایش خشونت دخیل نیستند، بلکه مردمی که به تماشای این تئاتر خشونت می‌روند نیز دخیل هستند. نقش مردم در این مجازات دادن، باید تفهیم شود. به تماشای مجازات رفتن، همکاری با مجازات‌گر است. در زیارت وارث، شیعیان نه تنها از قاتلان امام حسین تبری می‌جویند بلکه از امتی که این امر را شنیدند و سکوت کردند، در ردیف قاتلان تبری جسته می‌شود.^۹

بخش چهارم: راه حل برای ممنوعیت شلاق

در قانون مجازات‌های اسلامی ایران، در دو مورد، مجازات شلاق پیش‌بینی شده است که عبارت است از برخی جرائم موجب حد (مواد ۲۲۲، ۲۲۸ و مواد بعدی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، و برخی از جرائم موجب تعزیرات (ماده ۱۹ همان قانون).

نگارنده بر این باور است که در صدر اسلام رابطه پیامبر با پیروانش، رابطه «امام-امت» بود و این قوانین برای همان رابطه تنظیم شده بود، اما رابطه کنونی شهروندان کشورمان با حاکمیت رابطه «ملت-دولت» است، در نوشتاری با عنوان «حدود و قصاص؛ احکامی برای امت، نه برای ملت» به شرح این نظریه پرداخته است.^{۱۰} اما به دلیل این که موضوع

۸. ر. ک. فرشتیان حسن، ضرورت گذر از «امامت» امت به «زمامداری» کشور، منتشره ۱۴ خرداد ۱۹۳ در سایت جرس: <http://www.rahesabz.net/story/۸۳۲۵۰/> و همین نویسنده، سکولاریسم پنهان در تجربه جمهوری اسلامی ایران، Analytica، شماره ۳، سپتامبر ۲۰۱۲، پاریس.

۹. «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَاتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ».

۱۰. فرشتیان حسن، حدود و قصاص؛ احکامی برای امت، نه برای ملت، منتشره ۲۹ مرداد ۱۳۹۳، در سایت جرس: <http://www.rahesabz.net/>



و ممنوع شده است زیرا در بردارنده نوعی توهین و تحقیر است. به عنوان نمونه در برخی کشورها مثل سوئد (۱۹۷۹) قانونگذاران مجازات خفیف بدنی از قبیل سیلی‌زدن را برای همگان ممنوع کرده‌اند. در انگلیس، که قانون مصوبه ۱۸۶۰ برخی مجازات‌های سبک بدنی را مجاز شمرده بود، در سال ۱۹۹۸ چنین مجازاتی را برای دانش آموزان ممنوع کرد.

ب- شلاق به مثابه شکنجه بر مبنای حقوق بشر:

ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌بایست مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرارگیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد». بدون تردید مجازات شلاق بر مبنای ماده فوق، شکنجه تلقی شده و ممنوع است.

ج- وهن به کرامت انسانی:

بدون تردید، مجازات شلاق، حاوی توهین به فرد متهم و خوار شمردن جنبه انسانی است و به همین دلیل با کرامت انسانی، منافات دارد.

ج- تعدیل کردن مجازات شلاق:

قرآن پس از بیان برخی از احکام، می‌گوید: «این‌ها حدود الهی هستند از این حدود تجاوز نکنید، و آن کس که از حدود خدایی تجاوز کند از ستم‌کاران است».^۵ اگر در اسلام، اجرای این مقررات لازم است، رعایت جوانب و مقررات اجرایی احکام نیز ضروری است و تخلف از آن، موجب ستم‌کاری است. برخی از تعدیل‌هایی که اسلام با امضای مجازات شلاق، مقرر کرد، به شرح ذیل است:

* **تعداد شلاق:** تعداد شلاق‌ها که تا پیش از آن یا ضابطه‌مند نبود و یا ضابطه‌ای عادلانه نداشت، شارع بر مبنای هنجار و ناهنجار آن جامعه، آن را ضابطه‌مند کرد.

* **چگونگی شلاق:** مقرر شده بود که این شلاق‌ها نبایستی موجب صدمه و آسیب نامتعارف به فرد مجرم شود. مقرراتی مثل منع اجرای شلاق در زمان گرما و سرمای شدید، منع تازیانه بر پیکر افراد مسن و بیمار در همین راستا وضع گردید. مرد بیماری را نزد پیامبر آورده بودند که بایستی صد ضربه تازیانه در مورد وی اجرا می‌شد «پیامبر یک چوب خوشه خرما که صد سر شاخه داشت آورد و به عنوان حد، یک ضربه بر

او نواخت».^۶
* **شهود:** در قرآن، پس از حکم به مجازات تازیانه در مورد اعمال منافی عفت، مقرر می‌کند «باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند».^۷ در چرایی لزوم حضور شهود، نظرات متفاوتی ارائه شده است. بنابر نظریه مشهور، هدف، عبرت گرفتن دیگران است، لذا تلاش می‌کنند تا این مجازات‌ها را در «ملاء عام» انجام دهند. اما به نظر می‌رسد هدف از حضور شهود می‌تواند، دقت در رعایت اجرای حکم باشد. یعنی این شهود، بسان «هیأت منصفه» و در نقش «نمایندگان وجدان عمومی جامعه» نقش کنترل‌کننده قوای عمومی هستند تا حکومت از قدرت خویش سوء استفاده نکند و به متهمان اجحاف نشود.

بخش سوم: مجازات شلاق در زمان ما**الف- منع مجازات بدنی:**

امروزه در حقوق مدرن، مجازات بدنی شکنجه تلقی شده
۶. «المقنع: ائتی رسول الله صلی الله علیه و آله برجل کبیر البطن علیہ قد زنی، فاتی رسول الله صلی الله علیه و آله فیه مائة شمشراخ فضربه ضربته واجدة، فکان الحد».
۷. «... ولیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین»، نور، آیه ۲.

۴. فرشتیان حسن، پیام مقررات کیفری اسلام در زمانه ما، منتشره ۲۰ مرداد ۱۳۹۳ در سایت دین آنلاین: <http://www.dinonline.com/doc/news/>

/۴۰۱۱/fa

۵. «... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». بقره، ۲۹۹. «... وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ، طلاق، آیه ۱.

پیشنهادهای این نوشتار، ارائه راه حل در زمان کنونی و برای ایران است. راه حل نخست، برای ممنوعیت هرگونه مجازات شلاق، اعم از «حدی و تعزیری» مفید است. راه حل دوم برای منع «شلاق حدی» و راه حل سوم جهت منع «شلاق تعزیری» است.

الف- منع مجازات‌هایی که سبب وهن می‌شود:

همچنانکه پیشتر توضیح داده شد، امروزه اجرای برخی از مجازات‌های شرعی، موجب وهن اسلام می‌شود. حاکمیت جمهوری اسلامی نیز به این امر اذعان داشته و اعتراف می‌کند، به همین دلیل در مورد مجازات‌هایی مثل رجم عملاً تلاش می‌شود که این امر اجرا نشود و به شکلی از اجرای این امر خودداری می‌کنند. قانون کنونی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آزمایشی و برای مدت پنج سال است. از چند دهه پیش، هنوز قانون فوق آزمایشی است و هر از چند سالی با اصلاحاتی، تمدید می‌شود زیرا تلفیق بین قوانین اسلام با زمان و عصر کنونی ما هنوز به شکل جدی انجام نشده است. طبق قوانین شریعت اسلام، هنگامی که حاکم شرع متوجه شود که مجازاتی باعث وهن اسلام و جامعه می‌شود، بایستی از حکم به آن مجازات خودداری بکند. خودداری وی از حکم دادن به آن مجازات، به این معنا نیست که وی آن مجازات و یا حکم اسلام را کاملاً نفی می‌کند، بلکه وی به دلیل، اثرات سوء آن، فعلاً حکم دادن به آن مجازات را منتفی اعلام می‌کند.

ب- منع اجرای حدود در زمان غیبت:

بسیاری از فقها اجرای مجازات را فقط در زمان حضور پیامبر و امام معصوم جایز می‌دانند. به همین دلیل اجرای حدود در زمان غیبت را جایز نمی‌شمارند. در این مورد با توجه به این که اجرای حدود، نوعی اعمال ولایت است، غیرمعصوم حق اعمال ولایت ندارد. در موارد مورد تردید و شک، «اصل عدم ولایت» حاکم است و نبایستی ولایت اعمال شود.

شیخ طبرسی در تفسیر آیه دوم سوره نور در مورد حکم زناکاران می‌نویسد که اجرای این حکم، فقط بوسیله امام معصوم یا فرد منصوب از طرف وی، ممکن است، زیرا مخاطب این آیه، پیامبر و امام معصوم و یا نماینده وی هستند، هیچ دلیلی نداریم که فقهای معاصر از طرف امام معصوم برای اجرای حدود، منصوب شده باشند، اصل این است که این فقها، منصوب نشده‌اند. بنابر این در زمان غیبت نمی‌توان حدود را اجرا کرد.^{۱۱}

در شریعت، بر مبنای قاعده «الحدود تدری بالشبهات»، اگر شبهه‌ای در اجرای حدود پیش آمد باید از اجرای آن حدود

/A0E-0A/Story

۱۱. «هذا خطاب للامة و من يكون منصوباً للامير من جهتهم؛ لانه ليس لاحد ان يقيم الحدود الا الامة و ولائهم بلاخلاف».

خودداری کرد. پیامبر می‌گوید: «تا جایی که می‌توانید حدود را بر بندگان خدا اجرا نکنید، اگر راه فراری پیدا کردید که بر مسلمانی حد اجرا نکنید پس رهاش کنید. امام و رهبر جامعه اگر در بخشش اشتباه کند بهتر است که در مجازات اشتباه کند». بنابر این اجرای حد شلاق با توجه به تردید جواز آن در زمان عدم حضور امام معصوم، بایستی تعطیل شود.^{۱۲}

ج- مجازات های جایگزین:

در مجازات‌های «تعزیری»، نوع مجازات، معین نشده است، بلکه در اختیار قاضی گذاشته شده است و دست وی برای اعمال مجازات‌هایی مثل شلاق، حبس، تبعید، جریمه نقدی و... باز است. در این موارد، قاضی، اجباری ندارد که متهم را با شلاق مجازات کند. این امر گام مهمی بسوی عرفی کردن و محلی کردن مجازات‌ها و رعایت تناسب مجازات با جرم در زمان و مکان صدور حکم، است.

قانون کنونی مجازات اسلامی، در موادی مثل ماده ۲۷، امکان تقلیل یا تبدیل مجازات‌های تعزیری به سایر مجازات‌ها را پیشبینی کرده است. بنابرین، در مورد مجازات «شلاق تعزیری»، مجازات‌های جایگزینی از قبیل جریمه مالی، زندانی کردن و یا برخی محرومیت‌های مدنی، بایستی جایگزین شلاق شوند.

نتیجه:

در صدر اسلام، مجازات شلاق، تنبیهی عرفی محسوب می‌شد که قبل از پیدایش اسلام، نه تنها در بین اعراب، بلکه در بین سایر ملل جهان نیز رواج داشت. اما این مجازات، از احکام امضایی اسلام بود نه تاسیسی. در آن زمان، این‌گونه مجازات‌ها، مجازاتی عرفی و مورد پذیرش آن جامعه بود، ولی اکنون خوارکننده و تحقیرکننده تلقی می‌شود. این مجازات، بر طبق مبانی کرامت انسانی و اصول جهانی حقوق بشر، شکنجه محسوب می‌شود و ممنوع است. امروزه در حقوق مدرن، به جای تنبیه‌ها و مجازات‌های بدنی، مجازات جایگزین مقرر شده است، از قبیل مجازات حبس، جریمه مالی، محرومیت‌های مدنی و کنترل‌های قضایی. در قانون ایران نیز با استناد به موجب وهن بودن این احکام، و با استناد به برخی از مواد قانونی، می‌بایست این مجازات را حذف و ممنوع نمود و تبدیل به مجازات‌های جایگزین کرد.

۱۲. «أَدْرُوا الْحُدُودَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنْ وَجَدْتُمْ لِلْمُسْلِمِ مَخْرَجًا فَخَلُّوا سَبِيلَهُ؛ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَأَنْ يَخْطِيَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَخْطِيَ فِي الْعُقُوبَةِ».



شلاق در ملاءعام: ضربه بر پیکر عریان روح

- احکام قضایی تمامی ۱۷ کارگری که با شکایت کارفرمای معدن طلای آق دره در دادگستری آذربایجان غربی محاکمه شده بودند در واپسین روزهای ماه گذشته به اجرا درآمد. اخبار رسانه‌های ایران پر از نمونه‌های اجرای حکم شلاق است؛ آن هم نه فقط اجرای حکم در فضای بسته و در زندان که در انظار عمومی و ملاءعام. اجرای حکم هم با تمام تنوعش انجام می‌شود؛ هم برای حد، هم برای تعزیر.



نعیمه دوستدار

- حکم شلاق حدی زنی که چهار سال پیش به خاطر داشتن رابطه نامشروع با یک مرد و با مشارکت وی اقدام به قتل همسرش نمود، در ملاءعام اجرا شد.

- مسئولان قضایی شهرستان آبیک قزوین یکی از «اراذل و اوباش» را در میدان اصلی روستای زیاران از توابع بخش مرکزی شهرستان آبیک شلاق زدند؛ ۱۱۰ ضربه شلاقی که در ملاءعام اجرا شد و پیش از اجرای آن پلیس او را در سطح شهر آبیک گرداند.

- بنا به گفته دادستان قزوین، ۳۵ نفر از دختران و پسران در باغی در اطراف قزوین دستگیر شده و به لحاظ اختلاط و رفتار هنجارشکنانه، هریک از آنان به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم و در همان روز تعزیر شدند؛ یعنی تحقیقات مقدماتی درباره آنان انجام، قرار مجرمیت و کیفرخواست صادر، رسیدگی ماهیتی انجام، حکم صادر و بلافاصله اجرا شده است.

- حکم ۵۰ ضربه شلاق سیمیه توحیدلو، از فعالان ستاد میرحسین موسوی اجرا شد.

- حکم شلاق ۱۴ زندانی سیاسی محبوس در بند ۳۵۰ اوین از روز شنبه همزمان با «شب‌های قدر» در ماه رمضان اجرا شد.

حکم شلاق برای مجرمان عادی

مجرمان عادی که حکم شلاق دریافت می‌کنند یا به دلیل جرایم حدی است یا جرایم تعزیری. دایره این نوع محکومان وسیع است؛ از آنها که به اصطلاح اراذل و اوباش خوانده می‌شوند تا دختر و پسرهایی که در مهمانی‌ها نوشیدنی الکلی مصرف کرده‌اند.

به طور کلی و بر اساس قوانین ایران، شلاق یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم برای برخی از جرایم حدی مثل «زنا غیرمحصنه، تفخیز، مساحقه، قوادی و شرب خمر» است.

همچنین، «ضرب و جرح، اهانت، زورگیری، آدم‌ربایی، ایجاد مزاحمت برای مردم، تظاهر به عمل حرام کردن» نیز مجازات‌هایی مانند جریمه نقدی، حبس یا شلاق دارد.

اجرای حد شلاق، بر اساس ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مطابق مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی انجام می‌شود و شکل و شمایل اجرای آن بدوی و خشن است.

طبق قانون ایران مجازات شلاق با یک نوار چرمی به هم تابیده به طول تقریبی یک متر و به قطر تقریبی ۱.۵ سانتی متر انجام می‌شود. برای اجرای حکم، حتی المقدور دست و پای محکوم به محل اجرای حکم بسته می‌شود تا از حرکات اضافی محکوم که ممکن است منجر به اصابت شلاق به نقاط ممنوعه شود، جلوگیری

شود.

همچنین قانون درباره شدت اجرای حکم، شلاق زنا و تفخیز را شدیدتر از حد شرب خمر تعیین کرده و حد شرب خمر را شدیدتر از حد قذف و قوادی قرار داده است.

درباره شلاق تعزیری، این حکم با رعایت ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده و پوشش او لباس معمولی است انجام می‌شود و شلاق به پشت بدن، به جز سر و صورت و عورت زده می‌شود. شدت اجرای شلاق تعزیری، متوسط تعیین شده است. با وجود تعیین شرایط برای اجرای این حکم، عوارض روانی و اجتماعی اجرای چنین حکمی در نظر گرفته نشده است.

اجرای این قوانین، جز در مورد جرایم مستوجب حد، مانند لواط و زنا که درباره اجرای علنی یا در حضور چند شاهد یا اجرا نکردن آن در ملاءعام اختلاف وجود دارد، در موارد دیگر، معمولاً تابع رویه و عرف است که بر اساس آن حکم در زندان یا در محل‌های مخصوص اجرا می‌شود. تمایل عمومی مجریان احکام اما اجرای حکم در ملاءعام است تا آنجا که به عنوان مثال رییس کل دادگستری استان فارس، علی القاصی مهر گفته است اجرای حدود خاص در ملاء عام البته یک مطالبه عمومی است: «مردم از ما می‌خواهند که در مقابل برخی از جنایتکاران که احساسات عمومی را جریحه دار کرده اند حد آنان را در بین مردم اجرا کنیم تا عبرتی برای سایرین و درس آموزی باشد.»

او گفته: «البته ما همه حدود را در ملاءعام اجرا نمی‌کنیم، تقریباً هر هفته حکم قصاص و اعدام در فارس اجرا می‌شود ولی همه آنها را بین مردم نمی‌آوریم مگر در مورد جنایتکارانی که احساسات جامعه را جریحه دارد کرده اند یا دامنه جنایت آنان به گونه‌ای بوده که امنیت عمومی جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. مردم انتظار دارند احکام در مورد این افراد در انتظار عمومی اجرا شود و این اختیار قاضی است که نوع و نحوه اجرا را مشخص کند و برای تسکین آلام جامعه و برای رضایتمندی مردم نحوه اجرای حکم توسط قاضی و قانون تعیین می‌شود.»

بازدارنده یا عادی‌کننده خشونت؟

با اینکه قانون‌گذاران ایران بر مبنای آنچه که در شریعت اسلام آمده معتقدند که چنین مجازات‌هایی «بازدارنده» است، اما تاکنون از نظر اجتماعی بازدارندگی اجرای این نوع احکام به اثبات نرسیده است و در عوض، به دلیل تناقض‌ها و ایراداتی که در این نوع مجازات‌ها وجود دارد، ابهاماتی درباره اثرگذاری آنها از بعد اجتماعی و فردی آشکار شده است.

یکی از ایرادهایی که به چنین مجازات‌هایی وارد می‌شود، نبود تناسب میان مجازات با شدت جرم و حتمی و فوری بودن آن است. این ایراد به ویژه درباره محکومانی که به دلایلی مانند شرب خمر یا لواط و زنا مجازات می‌شوند ملموس‌تر است. در شرایطی که قوانین ایران افراد عادی را به دلیل نوشیدن الکل، یا رابطه آزاد میان زن و مرد یا همجنسگرایی به عنوان شادب خمر و زانی و لواط‌کار مجازات می‌کند، مجرم بودن افرادی که تحت این قوانین مجازات می‌شوند محل تردید است و مجازات تعیین شده هم متناسب به نظر نمی‌رسد.

بعد اجتماعی دیگر مساله، اجرای علنی این نوع مجازات است که در ایران رواج دارد. این در حالی است که اجرای علنی مجازات‌ها از لحاظ قانونی باعث تشدید خشونت و مشروعیت بخشیدن به آن می‌شود. حقوقدانان می‌گویند که اجرای مجازاتی مثل شلاق

در ملاءعام، از لحاظ جرم‌شناسی و روانشناسی کیفری، باعث تقلیل قدرت ارزش‌پذیری، بازپروری و دوباره اجتماعی شدن این افراد می‌شود.

تحقیرکنندگی مجازات شلاق به آن معناست که فردی که در انظار عمومی و در ملاءعام مجازات می‌شود، غیر از تحمل مجازات شلاق، باید نگاه ملامت‌آمیز، تنفر، تمسخر مردم را هم تحمل کند و از نظر روانی تماشاچیان را دشمن خود فرض کند. در چنین شرایطی تصور بازدارندگی مجازات و اصلاح و بازگشت مجرم، دشوار است. همچنین فشار اجتماعی اجرای مجازات برای مجرم به خانواده او هم منتقل می‌شود و بر جایگاه اجتماعی آنها اثر می‌گذارد.

نکته دیگر اینکه، همچون سایر مجازات‌هایی که در ملاءعام انجام می‌شود، اجرای شلاق در حضور مردم، از آنجا که اصولاً محل آن تفکیک‌نشده است، تماشاچیان کودک و نوجوان هم خواهد داشت و بر روان و ذهنیت آنها اثر می‌گذارد و خشونت را عادی می‌کند.

از نظر حقوقی هم، اجرای مجازات در ملاءعام دارای ایراد است. ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام، تصمیم‌گیری راجع به محل اجرای حکم شلاق و اعدام به نظر دادگاه محول کرده و چون دیدگاه قضات درباره اجرای مجازات در ملاءعام متفاوت است، ممکن است دو مجرم که جرم مشابهی را مرتکب شده‌اند، در شرایط مساوی به دو شکل متفاوت مجزات شوند که این مساله با اصل تساوی مجازات‌ها در تناقض است.

همچنین کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً مجازات‌های غیرانسانی و موهن را ممنوع کرده است. همچنین، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اجرای علنی مجازات‌ها را یکی از موارد نقض حقوق بشر دانسته و قطعنامه‌هایی در مورد نقض حقوق بشر و از جمله مجازات اعدام در ملاءعام را علیه ایران صادر کرده است که از این لحاظ، اجرای مجازات شلاق در ملاءعام هم، موهن و علنی بودن آن ناقض حقوق بشر است.

شلاق زندانیان سیاسی برای تحقیر بیشتر

گرچه مجازات شلاق برای همه مجرمان تحقیرکننده است، اما وقتی پای مجرمان سیاسی به میان می‌آید، خصلت تحقیرکنندگی آن تشدید می‌شود.

سال ۸۸، سمیه توحیدلو، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران که در اولین روزهای پس از انتخابات خرداد ۸۸ بازداشت و مدتی را در حبس سپری کرده بود، ۵۰ ضربه شلاق خورد. گرچه خود او گفت که این ۵۰ ضربه شلاق آرام‌تر از حد قانونی‌اش زده شده است اما اجرای چنین حکمی برای یک زن دانشگاهی بسیار خبرساز شد. حکم او را یک مرد در زندان اوین اجرا کرد؛ مراسمی برای تحقیر یک چهره فعال سیاسی و مدنی.

پس از اجرای حکم، سمیه توحیدلو در فیس بوک خود نوشت که «اجرای حکمش درد و رد فیزیکی نداشته است و ناگفته‌های حکمش را زمانی بازگو می‌کند که اتفاقات، بر احساس و اخلاق سایه نیفکنده باشد.» او

آشکارا از احساس «تحقیرشدگی» در اجرای چنین حکمی سخن گفت.

همان زمان، مهناز پراکند، وکیل دادگستری، درباره سابقه اجرای حکم شلاق نسبت به محکومین سیاسی و مدنی گفته بود که اجرای چنین حکمی درباره زنان بی‌سابقه بوده است.

با اینکه اجرای احکام شلاق برای زندانیان سیاسی تا مدت‌ها از سوی قوه قضائیه انجام نمی‌شد، اما اجرای این احکام به ویژه درباره زندانیان حوادث پس از انتخابات در ایران بارها خبرساز شد.

پیش از آن، شان زندانیان سیاسی و بی پایه بودن احکام صادر شده، که اغلب با دلایل سیاسی صورت می‌گرفت، باعث می‌شد که حکم شلاق درباره زندانیان سیاسی اجرا نشود اما در سال‌های اخیر، حکم شلاق تعدادی از زندانیان سیاسی. هنگام آزادی آنها یا پس از آزادی‌شان اجرا شده است. به دلیل بازتاب گسترده اجرای این احکام در رسانه‌ها گفته می‌شد که مسئولان اجرای احکام زندان اوین، اغلب حکم شلاق را پیش از آزادی زندانیان اجرا می‌کنند تا اثرات بازمانده از شلاق از بین برود.

امین نیایی فر دانشجوی دانشگاه تهران اولین زندانی سیاسی بند ۳۵۰ بود که حکم شلاقش قبل از آزادی اجرا شد.

سیامک قادری، مزدک علی نظری، هومان موسوی، رحمان بوذری، ابراهیم بابایی، حسین زرینی، کوروش کوهکن، ناصر آذرنبیا، کامران ایازی، مجید صادقی نژاد، علی رضا کیا، امیر لطیفی، اشکان اللهیاری و رسول هردانی هم ۱۴ زندانی بودند که حکم شلاق شان در روزهای ماه رمضان اجرا شده و انعکاس خبری گسترده یافت.

از دیگر زندانیان سیاسی ایران که اجرای حکم شلاقش خبرساز شد، ابوالفضل قدیانی، از اعضای ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و از زندانیان سیاسی پس از انتخابات سال ۸۸ بود.

او ۱۵ شهریور سال ۱۳۹۱ به اجرای احکام مستقر در زندان اوین احضار شد تا حکم ۴۰ ضربه شلاق تعزیری‌اش اجرا شود.

ابوالفضل قدیانی به دلیل نگارش متنی خطاب به ملت ایران و به اتهام تبلیغ علیه نظام از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به تحمل یکسال حبس محکوم شده بود که دادگاه تجدیدنظر این حکم را به ۲ سال حبس و ۴۰ ضربه شلاق تغییر داد.

البته زندانیان سیاسی ایران که مجازات شلاق درباره آن انجام شده است محدود به این نام‌ها نیستند و در این گزارش تنها به تعدادی از آنها به عنوان نمونه اشاره شده است.

آنچه که معمولاً درباره اجرای حکم شلاق برای زندانیان و محکومان سیاسی در ایران گفته می‌شود این است که اجرای این گونه احکام، در بیشتر موارد جنبه حقوقی ندارد و بر اساس تحلیل حاکمیت از شرایط جامعه و ایجاد ترس و وحشت انجام می‌شود و هدف اصلی و نهایی آن تحقیر زندانی است.



تعزیر در کشورهای اسلامی:

افراط در عربستان و بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ مجلس کویت



اجرای مجازات شلاق به عنوان یک کیفر جسمانی، حضوری دیرین در جوامع انسانی دارد و هر چند امروزه مجازات شلاق از فهرست قوانین کیفری بسیاری از کشورهای جهان محو شده؛ اما هنوز برخی کشورها در عمل به احکام اسلام از این مجازات استفاده می‌کنند، هر چند حتی اکثر کشورهای اسلامی نیز اجرای مجازات شلاق را کنار گذاشته‌اند.

در نظام‌های جزایی کهن به ویژه در یونان و روم باستان، استفاده از مجازات شلاق رواج داشته است. بررسی‌های تاریخی مختلف نشان داده که اعمال مجازات شلاق در زمان‌های قدیم حتی در مورد حیوانات نیز وجود داشته است.

در مصر باستان، شلاق زدن از کیفرهای رایج بود و در دو مورد اعمال می‌شد، مرد زناکار که بعد از اثبات جرم به هزار ضربه شلاق محکوم می‌شد و همچنین شهادتی که از وقوع جرم یا جنایتی آگاه بود و آن را فاش نمی‌کرد. در یونان قدیم نیز شلاق زدن جزو احکام موجود بود. افلاطون ضمن این‌که تنها وظیفه حقوق جزا را اصلاح و تربیت بزهکار می‌دانست، اجرای مجازات شلاق را نیز امری ضروری خوانده بود. در فرانسه، شلاق زدن کیفر رایجی بود که برای جرم‌های کم‌اهمیت مورد استفاده قرار می‌گرفت.

به شکل کلی، نقطه اوج استفاده از شلاق به عنوان یک مجازات در قرن شانزدهم میلادی بود. در این دوره، به خصوص در اروپا، شلاق زدن بسیار رواج داشت و حتی یکی از نمادهای توبه محسوب می‌شد.

نخستین جنبش‌های مخالفت با شلاق اما در فرانسه بعد از انقلاب کبیر شروع به خودنمایی کرد. جنبش اصلاح‌گرانه عصر روشنفکری که در پی تحقق اصولی برای حقوق بشر بود، شروع به مخالفت با مجازات شلاق کرده و این نوع از مجازات را مصداق شکنجه دانست. همین جنبش بود که بعدتر با تغییراتی که کرد به تغییر قوانین در قرن نوزدهم رسید. در این دوره مجازات شلاق به عنوان نمادی از عقوبت جسمانی، از فهرست مجازات‌های بسیاری از کشورها حذف شد. به



که متوقف کرده‌اند.

ایران

بر اساس مستندات تاریخی، شلاق یکی از کیفرهای رایج در ایران باستان بوده است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن آورده که قدمت تازیانه به دوره هخامنشی باز می‌گردد: «در عصر هخامنشی بزه‌های کوچک را از پنج تا دویست ضربه کیفر می‌دادند. هر کس سگ چوپانی را مسموم می‌کرد، دویست ضربه شلاق مجازات داشت و هر کس دیگری را به خطا می‌کشت، مجازاتش نود ضربه شلاق بود، هر چند برای تامین حقوق قضات، اکثراً به جای شلاق زدن جریمه نقدی می‌گرفتند».

در دوره ساسانیان نیز شلاق یکی از مجازات‌های رایج بوده است. کتاب وندیداد به عنوان قوانین دین زرتشت در دوره

ساسانی، جرایم مختلفی را با شلاق مجازات می‌کند. در وندیداد دو نوع شلاق وجود داشت، یکی اسپه اشترا و دیگری سرواش چرانا که از آن به تازیانه فرمان‌برداری یاد شده است. حداقل شلاق پنج ضربه و حداکثر ده هزار ضربه تعیین شده بود که اکثراً قابل تبدیل به جزای نقدی بود.

با حاکمیت اسلام بر ایران، بسیاری از اصول کیفری قدیم وارد مجازات‌های شرعی شد. در عصر امویان و عباسیان، شلاق به عنوان مجازات شرعی و عرفی مورد استفاده قرار می‌گرفت و این روند تا زمان حکومت قاجار و به شکل مشخص، زمان مشروطه ادامه داشت.

بررسی مقررات کیفری بعد از مشروطه نشان می‌دهد که پس از آن مجازات‌های بدنی مانند شلاق جای خود را به زندان و جریمه نقدی داده است. در تیرماه سال ۱۳۴۴ قانونی به نام «قانون لغو مجازات شلاق» تصویب شد که به صراحت این مجازات را منسوخ کرد.

پس از انقلاب اسلامی در ایران، قوانین کیفری نیز تغییر کرده و مجازات شلاق در دو مورد حدود و تعزیرات اسلامی بار دیگر رواج یافت.

فلسطین

در سال ۲۰۱۴ دولت حماس که کنترل نوار غزه را در اختیار دارد، با تصویب قانونی، احکامی مثل شلاق و قطع دست سارقین را به عنوان مجازات بار دیگر جاری کرد. بر اساس این قانون، حداقل شلاق بیست ضربه برای کلاهبرداری و هشتاد ضربه برای مسایل جنایی تعیین شد. هر چند که این قانون با مخالفت بسیاری مواجه شد، اما محمد الغول رییس فراکسیون حماس در شورای قانون‌گذاری فلسطین در مورد آن گفت: «قوانین جاری در فلسطین متعلق به نود سال پیش و زمان اشغال فلسطین توسط بریتانیا و عثمانی‌ها باز می‌گردد. نه تنها در فلسطین، بلکه در دیگر کشورهای عربی و اسلامی نیز باید قوانین تغییر کرده و قوانین جدید با توجه به نیازهای مردم و بر اساس اصول اسلام وضع شوند». به گفته‌ی الغول، جرایم جدید مثل جرم و جنایت‌های اینترنتی از دلایل اصلی تغییر قانون در فلسطین است، هر چند که این قوانین به نظر شورای قانون‌گذاری حماس با معیارها و اصول بین‌المللی نیز تعارضی ندارد.

راجی الصورانی رییس مرکز حقوق بشر فلسطین در اعتراض به وضع قانون مجازات جدید و قانونی شدن شلاق گفت که در قرن بیست و یکم و با پیشرفتی که بشر ظرف تنها نیم قرن گذشته کرده، وضع چنین قوانینی خطرات زیادی را برای

جامعه در پی داشته و اجرای آن تاثیرات بسیار مخربی را بر مردم خواهد داشت.

مصر

مصر از جمله کشورهای اسلامی است که از سال‌ها قبل شلاق زدن را به عنوان یک مجازات حذف کرده است. با این حال، در آوریل سال ۲۰۱۴ نماینده دادستان در جنوب این کشور با صدور حکم شلاق برای فردی که به اتهام شرب خمر دستگیر شده بود، جنجال ایجاد کرد.

محمد عید حسن، بازرس سندیکای موسیقی مصر که تنها هشت دلار در ماه حقوق می‌گرفت به امید افزایش حقوق خود به مدت ۹ ماه در برابر دیوان عدالتی که محمد مرسی رییس‌جمهور وقت برای رسیدگی به شکایات مردم تاسیس کرده بود، تحصن کرد؛ ولی کسی به اعتراض او رسیدگی نکرد. وی چند روز پس از خاتمه دادن به تحصن خود، در تظاهراتی که به دعوت اخوان المسلمین برای پاک‌سازی دستگاه قضایی برگزار شد، شرکت کرد. پس از تظاهرات، نماینده دادستان وی را به اتهام شرب خمر دستگیر و به هشتاد ضربه شلاق محکوم کرد. با این حال، هنگامی که وی را به اداره پلیس منتقل کرده و خواستار اجرای حکم شدند، سربازان از شلاق زدن او خودداری کرده و حکم را «عجیب» و «غیر قابل اجرا» خواندند. یک روز بعد، انتشار این خبر موجی از اعتراض را در مصر به دنبال داشت که باعث آزادی فوری حسن عید و لغو حکم شلاق شد.

محمد حمبولی رییس مرکز حفظ آزادی‌های فردی در مصر گفت: «قانون مجازات در مصر بسیار واضح است و در مورد شرب خمر در ملاً عام، فرد را به شش ماه زندان باید محکوم کرد. صدور حکم شلاق برای یک متهم با استناد به آیات قرآن، زیر پا گذاشتن آشکار قوانین کشور است و راه را برای اجتهادهای شخصی افراد بر اساس متون و روایات باز می‌کند». نجیب جبرائیل رییس سازمان حقوق بشر مصر نیز گفت که صدور حکم شلاق در واقع خود حاوی دو جرم است. نخست انکار عدالت و عدم اجرای قانون مجازات عمومی و دوم تحریک و تشویق به ارتکاب شکنجه، چرا که مجبور کردن سربازان پلیس به شلاق زدن یک متهم در واقع تشویق آنها به شکنجه‌ی یک انسان است که به هیچ وجه قابل قبول نیست.

سودان

مجازات شلاق هر چند در قوانین سودان وجود دارد، ولی عمل به آن تا سال ۱۹۹۸ به سلیقه قضات متوقف شده بود.

در این سال، دستگاه قضایی سودان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که قضات موظف به اجرای حکم شلاق بر اساس قوانین دین اسلام هستند. در بیانیه مزبور آمده بود: «مشاهده شده که بسیاری از دادگاه‌ها هنگام صدور احکام مربوط به شلاق ذکر شده در ماده ۲۱۲ قانون جنایی مصوب ۱۹۹۱ تعلق کرده یا این احکام را بدون رعایت ضوابط شرعی صادر می‌کنند. بر اساس مواد قانونی تنها افراد بالای شصت سال و افراد مریض که اقامه حدود و تعزیرات ممکن است زندگی آنها را در خطر قرار دهد، از این حکم مستثنی هستند».

قانون سودان در مورد اجرای حکم شلاق برای زنان آورده: «به خاطر شرایط طبیعی زنان، باید با آنها رفتار ویژه‌ای داشت و نباید حکم شلاق را برای آنها صادر کرد، مگر در شرایط ضروری و آن هم پس از معاینه پزشکی و بررسی تمامی جوانب اعتراض احتمالی محکوم به حکم صادر شده».

در سال ۲۰۱۰ انتشار فیلم شلاق زدن یک دختر در ملاً عام توسط پلیس باعث بروز اعتراض‌های گسترده‌ای در سودان شد. در فیلم منتشر شده، دختری توسط پلیس به شکل وحشیانه هدف ضربات چوب و شلاق در نقاط مختلف بدن و حتی سر و صورتش قرار گرفت، بدون این‌که دلیل صدور چنین حکمی علیه او مشخص باشد.

در پی اعتراض‌های گسترده مردمی، دولت سودان تحقیقی را در مورد این حادثه آغاز کرد، ولی عمر البشیر رییس‌جمهور این کشور در اظهاراتی گفت که به کسی اجازه نمی‌دهد اجرای احکام اسلامی در سودان را زیر سوال ببرد و اگر هم مشکلی در حادثه شلاق زدن این دختر وجود داشته باشد، به نحوه اجرای آن مربوط است که قوانین اسلامی در آن رعایت نشده است.

در سودان، زنان به اتهام‌هایی مثل «پوشیدن لباس‌های خلاف عرف» محکوم به شلاق می‌شوند. اجرای احکام اسلامی از جمله شلاق در سودان از سال ۱۹۸۳ شروع شد، ولی حتی انتفاضه مردمی در سال ۱۹۸۵ موفق به لغو قوانین جزایی برگرفته از اسلام در این کشور نشد.

لیبی

در قانون جزایی لیبی شلاق به عنوان یک حکم اسلامی تنها برای «زناکاران» وجود دارد، اما صدور چنین مجازاتی برای محکومان در دوران حکومت معمر قذافی متوقف شده بود. در ماه مارس ۲۰۱۳ انتشار ویدیویی از اجرای حکم شلاق در شهر سرت، افکار عمومی این کشور را تحت تاثیر قرار داد. در فیلم مزبور، عده‌ای از افراد نظامی در حالی که صورت خود را

پوشانده‌اند، ده‌ها مرد را یکی پس از دیگری در ملاً عام شلاق می‌زنند.

تحقیقاتی که بعد از آن صورت گرفت، مشخص کرد که گروه انصار الشریعه که بر شهر سرت زادگاه معمر قذافی سیطره پیدا کرده‌اند، مشغول پیاده کردن احکامی هستند که می‌گویند از اسلام برگرفته شده است.

با این‌که حکم شلاق سال‌های زیادی است که در لیبی اجرا نمی‌شود، ولی شرایط جنگی حاکم بر این کشور باعث شده تا گروه‌های اسلام‌گرا در شهرهایی که تصرف می‌کنند دادگاه‌های شرعی برپا کرده دست به اجرای برخی احکام مانند شلاق بزنند.

کویت

در کویت نیز مانند بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی، اجرای حکم شلاق برای مدت‌ها متوقف شده و سرانجام در دهه هشتاد میلادی از قانون این کشور حذف شد. در ماه اوت سال جاری میلادی، عبدالرحمن الجیران نماینده مجلس کویت پیشنهاد کرد که در عمل به شریعت اسلام، صدور حکم شلاق بار دیگر در مجلس به رای گذاشته شده و وارد قانون جزایی شود.

الجیران ابراز امیدواری کرد که مجلس با اکثریت آرا به این طرح رای دهد و گفت: «در صورت تصویب طرح اجرای حکم شلاق، این مصوبه مهم‌ترین دستاورد تاریخ پارلمان کویت خواهد بود».

وی در توضیح دلیل ارایه این طرح به مجلس گفت که «قوانین اسلام را نمی‌توان گزینشی به اجرا درآورد بلکه این قوانین و اجرای آنها واجب هستند. گمان نمی‌کنم دولت کویت با این طرح مشکلی داشته باشد، چرا که مردم کویت مسلمان بوده و با اجرای احکام اسلام مخالفتی نخواهند کرد».

با طرح این موضوع، اعتراض‌هایی در کویت شروع شد و روزنامه القبس این کشور نظرسنجی را برگزار کرد که در آن ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان با تصویب طرح اجرای حکم شلاق مخالفت کردند. این روزنامه در اعلام برآیند نظرسنجی صورت گرفته، تاکید کرد که شهروندان کویت در کشوری دموکراتیک با حاکمیت قانون زندگی می‌کنند و نیازی به اعمال چنین مجازات‌هایی در کویت وجود ندارد.

عربستان

عربستان از جمله کشورهایی است که صدور حکم شلاق بیش از هر جای دیگری در آن رواج دارد. قانون عربستان، صدور

این حکم را منوط به تشخیص قاضی کرده و در نتیجه، در شرایطی که حد و مرزی برای حکم شلاق تعیین شده، قضات آزادند تا هر اندازه که تشخیص دادند، فرد متهم را به شلاق محکوم کنند.

برخی از احکام شلاق مانند صدور حکم هزار ضربه شلاق برای رائف بدوی وبلاگ‌نویس عربستانی، واکنش‌های جهانی در پی دارد؛ اما برخی دیگر در سکوت اجرا می‌شوند. در سال ۲۰۰۹ صدور حکم چهار هزار ضربه شلاق برای دو جوان که یک گوسفند دزدیده بودند، در این کشور جنجال‌آفرین شد.

سپهله زین‌العابدین عضو کمیته ملی حقوق بشر عربستان پس از صدور این حکم گفت: «برخی قضات در عربستان به اندازه‌ای در صدور حکم شلاق زیاده‌روی و مبالغه می‌کنند که به جای اجرای حکم اسلام، به این دین توهین می‌کنند. در شرایطی که بیشترین میزان شلاق در اسلام برای فرد زناکار بوده و حداکثر صد ضربه است، قضاتی هستند که برای محکومان چهار هزار ضربه شلاق صادر می‌کنند و این چیزی جز توهین به دین اسلام نیست».

آمار غیر رسمی در سال ۲۰۱۳ حاکی از این است که قضات عربستانی در احکام مختلف، متهمان را به بیش از چهل هزار ضربه شلاق محکوم کرده‌اند.

در سال ۲۰۱۴ گروهی از چهره‌های حقوقی عربستان از دولت این کشور خواستند تا حد و اندازه حکم شلاق را مشخص کرده و صدور آن را به تشخیص قاضی واگذار نکنند. اعتراض‌ها زمانی بالا گرفت که یک قاضی در جنوب عربستان، دو دختر بچه که موبایل به مدرسه برده و از هم‌کلاسی‌های خود فیلم گرفته و سپس فیلم را در اینترنت منتشر کرده بودند، هر کدام را به پنجاه ضربه شلاق محکوم کرد.

طالب آل طالب قاضی عربستانی در مورد حکم شلاق در عربستان گفت: «مجازات‌های تعزیری منوط به اجتهاد قاضی است ولی شاهد زیاده‌روی در این زمینه هستیم. مجازات شلاق به هیچ وجه بازدارنده نیست و چنان‌چه تا این اندازه زیاد صادر شود، اثری هم اگر داشته باشد از بین رفته و به اسلام ضربه می‌زند».

قوانین عربستان هر چند در این زمینه تغییر خاصی نکرد، اما دولت تعداد شلاق‌ها به خصوص در جرایم مرتبط با مواد مخدر را محدود به پنجاه ضربه کرد، بدین ترتیب که قضات می‌توانند به تشخیص خود علیه محکومان حکم شلاق صادر کنند، به شرطی که هر بار بیشتر از پنجاه ضربه به آنها وارد نشود.

مجازات شلاق در حد هم قابل تغییر است

پابرجاست و هر تغییری غیر اسلامی تفسیر می‌شود؟ صدیقه و ستمی معتقد است که حد یا تعزیر خواندن مجازات‌ها، تعاریفی است که فقها بر اساس تفسیر خود ارایه داده‌اند و «هیچ کدام حرف اولیه اسلام نیست.» به بیان دیگر «هر آن چه درباره اسلام بیان می‌کنیم نوعی تفسیر و تحلیل از اسلام است. حتی بحث شریعت اسلام و قوانین مربوط به آن.» اما فقهای سنتی همواره در تفاسیر خود سبک زندگی اولین مسلمانان و نخستین پیروان اسلام را مد نظر قرار می‌دهند. به باور آن‌ها تنها راه و روش زندگی مسلمانان اولیه مورد تایید اسلام قرار دارد. همان‌طور که و ستمی توضیح می‌دهد فقهای سنتی با همین برداشت و تحلیل، کلیه قوانین و آداب و سننی را که در زندگی پیروان اولیه اسلام وجود داشته استخراج کرده و «اسم آن را قوانین و احکام شرعی گذاشته‌اند».

«در این دیدگاه، هر پدیده نوظهوری که ردپایی از آن در قرآن یا روایت‌ها که اکثراً حکایت کننده همان آداب و سنن گذشته است، پیدا نشود، می‌گویند اسلامی نیست. اگر درکش نکنند می‌گویند مخالف اسلام است و اگر درک شود آن را حل و فصل می‌کنند. در حالی که این نگاه و تحلیل از اسلام هیچ پایگاه و اساس عقلی و قابل قبولی ندارد. به نظرم سطحی‌ترین نگاه به اسلام است. شلاق نیز در همین تحلیل و تفسیر تعریف می‌شود.»

حسن یوسفی اشکوری نیز در مقدمه این بحث، تحلیل مشابهی دارد. به عقیده او ما ابتدا باید این سوال را مطرح کنیم که آیا آن چه در زمان پیامبر اسلام اجرا شده، بنا بوده تا روز قیامت اجرا شود یا خیر: «این یک سوال مبنایی است که تا حل نشود بقیه بحث‌ها با فقها و علما آب در هاون کوبیدن یا وسط دعوا نرخ تعیین کردن است»

فقهای اسلام احکام را بر دو دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند: عبادات و معاملات. «عبادات» احکام فردی و عبادی هستند مانند نماز و روزه و حج. حدود و قوانین کیفری و مسایل اجتماعی یعنی روابط و تعاملات اجتماعی «معاملات» تعریف می‌شوند. به گفته اشکوری برخی از این موارد در قرآن ذکر شده اما نزدیک به ۹۰ درصد آن‌ها در روایات و احادیث آمده و سپس فقها آن‌ها را در کتاب‌های فقهی گنجانده‌اند. «علمای امروز و فقهای سنی و شیعه آن چه را که نص صریح



آیدا قجر

در قانون مجازات اسلامی دو نوع مجازات شلاق داریم. از یکی به عنوان تعزیر یاد می‌شود که بنا به صلاح دید قاضی، می‌توان آن را با جریمه نقدی یا انواع دیگر مجازات‌ها جایگزین کرد و دیگری حد خوانده می‌شود که به معنای غیرقابل تغییر بودن آن است. مجازات‌هایی نیز که در قالب حد جای می‌گیرد، از نظر دستگاه قضایی اسلامی غیرقابل تغییر هستند، چراکه در نص صریح قرآن آمده‌اند.

از نمونه‌های دیگر حد، قصاص است که باعث شده تا ایران یکی از بالاترین آمارهای اعدام در جهان را داشته باشد؛ شرایطی که در آن تصمیم‌گیری برای جان یک انسان برعهده خانواده قربانی گذاشته شده تا افراد داغ‌دار رای به زنده ماندن یا نماندن انسانی دیگر بدهند.

کافی‌ست یک‌بار شلاق خورده باشیم، آن هم یک ضربه. در آن صورت این درد را برای همیشه با خود به یادگار داریم و همین‌طور ترس و رعبی را که از آن بر ما حاصل شده است. در مقالات دیگر این شماره از مجله به تأثیرات فردی و اجتماعی اجرای حکم شلاق پرداخته شده. در این یادداشت سعی کرده‌ام در گفت‌وگو با صدیقه و ستمی، دکترای فقه و مبنای اسلامی و همچنین حسن یوسفی اشکوری، محقق و دین‌پژوه راه‌های جایگزین را برای مجازات شلاق در حد بیابم. آیا راهی وجود دارد؟

همان‌طور که در دیگر مقاله این شماره از مجله می‌خوانید، کشورهایی با حکومت‌ها یا قوانین اسلامی هستند که مجازات شلاق را با حکم حکومتی لغو کرده‌اند. حال ما چطور می‌توانیم این مجازات غیرانسانی را در خود جمهوری اسلامی ملغی کنیم؟ آیا آن چه به عنوان حد در قوانین مطرح شده، تا ابد



قرآن است، جاودانه می‌دانند. حتی حدیثی برای آن درست شده که می‌گوید «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه» یعنی حلال و حرامی را محمد و خدا تعیین کرده نمی‌شود به هیچ‌وجه تغییر داد.»

در عین حال افرادی که بخواهند احکام قطعی اسلام را تغییر دهند در حکومت‌های مختلفی که قوانین‌شان اسلامی است مورد «تکفیر» قرار می‌گیرند. اشکوری نمونه‌ای از این معترضان است که وقتی اجباری بودن حجاب را برای زنان قابل تغییر عنوان کرد «مرتد» خوانده شد و حکم اعدام گرفت. پس از شکسته شدن حکم اعدام او در دادگاه تجدیدنظر، برای همین اظهار نظر با اتهام «توهین به مقدسات» به ۵ سال حبس محکوم شد.

با توجه به اظهارات و ستمی و اشکوری می‌توان دریافت که حکم شلاق نه به این عنوان که اسلام مبدع و مبتکر آن است، بلکه به عنوان آداب و سنتی که در آن زمان، مثل جغرافیاهای دیگر حتی در غرب نیز رایج بوده، جریان داشته است.

همان‌طور که و ستمی توضیح می‌دهد شلاق زدن متعلق به روزگاری است که برده‌گی رواج داشته و انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف این روش را به کار می‌برده‌اند: «دلیلی بر این ادعا نداریم که بگوییم شلاق زدن یک روش اسلامی است و اگر آن را تغییر دهیم مخالف اسلام است. مدعیان اسلامی بودن شلاق بایستی اول ثابت کنند که این روش مجازات در اسلام هست و بعد اثبات کنند که اسلام با تغییر آن مخالف است. به عقیده من هیچ‌کدام از این دو ادعا قابل اثبات نیست. اسلام مخترع شلاق نبوده بلکه در آن زمان روش دیگری برای مجازات شناخته نشده بود. و این هرگز به این معنا نیست که اگر مردم در روزگاری خواستند جرم را تعریف کنند و برای آن مجازاتی غیر قرار دهند اسلام با آن مخالف است. ما می‌توانیم قوانین را به تناسب تغییرات و تحولات زندگی تغییر دهیم و تغییر روش‌های مجازات هم منافاتی با اسلام ندارد.»

اشکوری نیز معتقد است محمد، پیامبر اسلام، به عنوان یک زمامدار برای اداره مملکت و جامعه مجازات‌ها را تعیین کرده است: «این احکام وقتی تعیین شد که محمد زمامدار امور در مدینه بود و نه به عنوان پیامبر در مکه. او نیز همان قوانین و مقرراتی را که در شریعت یهود و بخشی از آن در احکام عرب‌ها و قبایل بوده یا عینا یا با اصلاحاتی پذیرفت و اجرایی کرد. بنا نبوده این احکام جاودانه باشند.»

او باور دارد که این احکام «ذاتا» تغییر پذیرند، مگر خلاف آن ثابت شود: «هر حکمی معطوف به یک فلسفه است. قانون و مجازات ذهنی و در خلا شکل نگرفته‌اند. حقوق‌دان‌ها هم می‌گویند که قانون صورت‌بندی واقعیت‌های جاری جامعه

است. محمد هم در زمان خودش همان قوانین را با تبصره‌ها و حذف و اضافه‌هایی وضع کرده است.»

اما چطور می‌توانیم این تغییرات را ایجاد کنیم؟ به گفته اشکوری در دو کلیدواژه در جمهوری اسلامی توسط آیت‌الله خمینی باب شد؛ احکام اولیه و ثانویه که در فقه نیز هست و دیگری حکم حکومتی. عنصر دیگری که برای اولین بار در فقه شیعه توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مطرح شد مساله «مصلحت» است. این عنصر نه در فقه شیعه بلکه در فقه شافعی بود.

اشکوری روایت می‌کند: «آقای خمینی وقتی از مدرسه فیضیه خارج و به حاکم و ولی فقیه مطلقه تبدیل شد و حدود اختیاراتش حتی از خدا هم بیشتر شد برای حل مشکلات مملکت چاره‌ای ندید جز این‌که به مصلحت و حکم ثانویه روی بیاورد.»

حکایت آن به اوایل دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد. زمانی که در سال‌های ۶۲ - ۶۳ مجلس در اختیار انقلابیون بود و می‌خواستند مساله اصلاحات ارضی و تجارت خارجی را حل کنند که «همه خلاف فقه بود». اما سه لایحه توسط منتظری، بهشتی و مشکینی برای اصلاحات ارضی به مجلس ارایه شد. شورای انقلاب آن را تصویب کرد و مجلس نیز به اجرای آن اصرار داشت. طبق تصویب شورای انقلاب ۵ برابر عرف محل به صاحب ملک تعلق می‌گیرد و باقی آن مصادره خواهد شد. در اوایل انقلاب روزگار مصادره ملک‌های دیگران با هدف رساندن مستضعفان به مال و منال در اوج خود قرار داشت. آیت‌الله خمینی در اوایل دهه ۱۳۴۰ با اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی مخالف کرد. اما پس از وارد شدن اصلاحاتی در شورای انقلاب به تأیید رسید. اما آیت‌الله گلپایگانی که مخالف این اصلاحات ارضی بود نامه‌ای اعتراضی نوشت و بهشتی، منتظری و مشکینی را «لعنت» کرد. فشار خصوصا از سوی روحانیون در شهرستان‌ها شدت گرفته بود چون این اقدام را خلاف فقه می‌دانستند تا آن‌که سرانجام خمینی به توقف آن دستور داد.

به روایت اشکوری، آیت‌الله خمینی در همان موقع احکام اولیه و ثانویه را مطرح کرد: «قاعده‌ای در فقه وجود دارد به نام ید. یعنی هرکسی که ملکی در اختیار دارد اصل بر آن است که صاحب ملک اوست مگر آن‌که خلافش ثابت شود. خمینی گفت اصل بر قاعده ید است اما اگر مصلحت دولت و حکومت ایجاب کرد، می‌توانند ملک را مصادره کنند. اما بایستی مشخص شود این حکم تا چه زمانی برقرار است. یعنی حکم ثانویه مدت‌دار است.»

در آن زمان بحث شده بود که چه کسی تشخیص می‌دهد

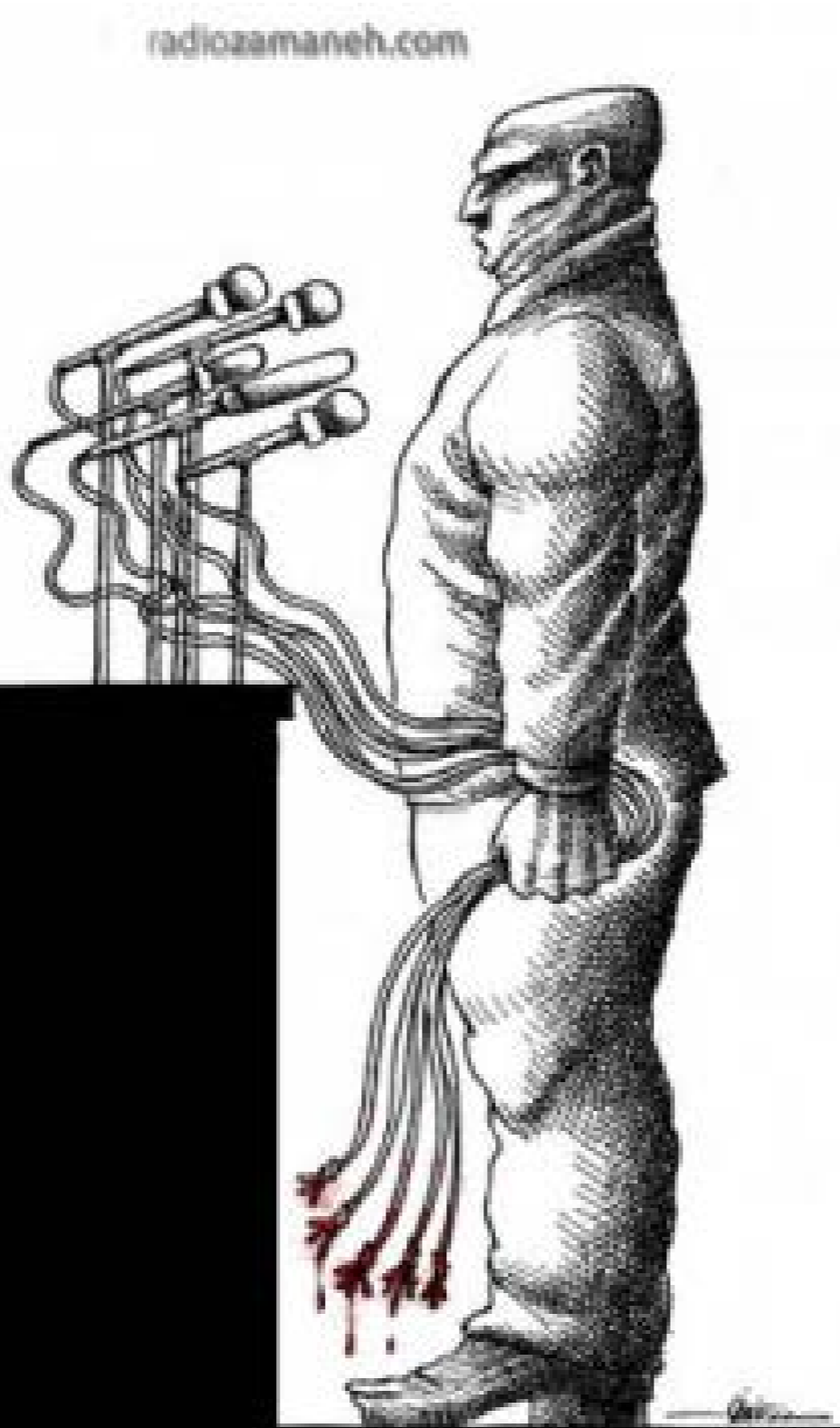
که این حکم اولیه است یا ثانویه: «شورای نگهبان می‌گفت که من تشخیص می‌دهم. خمینی هم به هر حال چپ‌گرا بود و با دیدگاه محافظه‌کارانه شورای نگهبان که در اختیار صافی گلپایگانی بود، مخالفت می‌کرد. تا آن‌که خمینی گفت در صورت چنین بحثی، اگر دو سوم مجلس تشخیص بدهند که این مساله از احکام ثانویه است دیگر نیازی به نظر شورای نگهبان نیست.»

او در ادامه با اشاره به شلاق زدن کارگران که آن را قابل توجیه و دفاع نمی‌دانند، ادامه داد که در فقه اصل دیگری وجود دارد به عنوان «تکفیر». یعنی هرآن‌جه موجب نفرت مردم از دین بشود به تنهایی «حرام» است: «مگر درباره مواد مخدر حکمی داریم؟ اصلا زمان پیغمبر مگر مواد مخدر به این شکل وجود داشت؟ ۵۰ سال پیش حتی روحانیون نیز به راحتی تریاک می‌کشیدند. بعد از انقلاب عده‌ای به دنبال فتوایی برای ممنوعیت و حرام دانستن مواد مخدر بودند اما هیچ‌کدام از روحانیون حاضر به ایراد چنین فتوایی نشد. امروز بیشترین اعدام‌ها در ایران برای جرایم مربوط به مواد مخدر است. در حالی که مواد مخدر از نظر فقهی حرام شرعی اعلام نشده است. حتی اگر حرام باشد، حدود شرعی که برای آن وجود ندارد. حداکثر مجازات آن باید تعزیر یعنی زندان باشد. اصلا اشد مجازات. اعدام را از کجا آورده‌اید؟»

این دین‌پژوه در ادامه توضیح می‌دهد که به نظرش تا زمانی که آیت‌الله خامنه‌ای روی کار است هیچ مساله‌ای به شکل بنیادی تغییر نمی‌کند اما در حال حاضر می‌توان مجازات شلاق را به عنوان حکمی ثانویه تعطیل کرد یا به حالت تعلیق درآورد: «با امثال آقای مکارم شیرازی نمی‌توان بحث روشنفکری کرد. اما اگر کارشناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان و کنش‌گران از درون حکومت به خامنه‌ای بگویند درست است که شلاق زدن حکم الله است اما با توجه به آمار چنین تبعات فردی و اجتماعی را در پی دارد و از طرفی خلاف مصلحت نظام و وهن اسلام است، می‌توانند علما را قانع کنند و این مجازات یا تعطیل شود یا به حالت تعلیق درآید.»

اشکوری به تأثیرات روحی روانی شلاق اشاره دارد. دختر یا پسری ۱۶ ساله را تصور کنیم که برای نوشیدن مشروبات الکلی شلاق خورده است: «مگر او می‌تواند تا پایان عمرش این مساله را فراموش کند؟ از لحاظ روانی دچار افسردگی و به عنصری ناهنجار در جامعه تبدیل می‌شود که بایستی میلیون‌ها تومان هزینه این مصیبت را بدهد. اثبات این تبعات توسط کارشناسان با دلایل علمی و مستندات کار سختی نیست.»

صدیقه و ستمی گذشتن و عبور کردن از فقه سنتی را مرحله





شلاق‌های جنجالی

مانا مسرور / گزارش میهمان

شدت و حدت ضربه‌ها به نوع جرم ارتكابی بستگی دارد. شدت ضرباتی که برای حد زنا یا تفخیز وارد می‌شود با شدت ضرباتی که برای اجرای حد شرب خمر وارد می‌شوند، تفاوت اساسی و ماهوی دارد. اما نگاه جامعه جهانی به این شکل از مجازات، کاملاً متفاوت با نگاهی است که سیستم قضایی ایران به قضیه دارد. سازمان ملل متحد با تکیه بر قوانین حقوق بشری و خصوصاً با توسل

در ایران هنوز هم در بسیاری از محاکم، از مجازات شلاق برای حد یا تعزیر متهم، استفاده می‌شود؛ مجازاتی که با توسل به یک نوار چرمی تابیده شده به طول یک متر و با قطر پنج سانتی‌متر، یا در یک فضای مخصوص اجرای حکم و با حضور عوامل محدودی از اجرا کنندگان قانون یا در ملاء عام و با حضور تماشاگران و مردم، اجرا می‌شود.

اشکوری در این گفت‌وگو با «حقوق ما» روایت دیگری از صادق خلخالی دارد: «خلخالی دشمن ژنتیکی بازرگان بود. اوایل انقلاب بازرگان گفته بود خلخالی از گرفتن جان آدمیزاد خوشش می‌آید. من خلخالی را می‌شناختم. او اهل مال و پول نبود. اما نمی‌دانم این بیماری از کجا آمده بود که واقعا از این مساله لذت روحی می‌برد.»

او ادامه می‌دهد: «مگر آقایان از شلاق زدن و گرفتن جان آدمیزان خوششان می‌آید که خودشان را چنین در دنیا بدنام کرده‌اند؟ در حالی که از نظر شرعی دست‌شان برای ایجاد این تغییرات باز است. برای لواط هم ۴ مجازات تعیین شده اما به اشد آن حکم می‌کنند. داعشی‌ها می‌خواهند اسلام ناب داشته باشند و لواط‌گر را از بالای ساختمان پرت می‌نند. در حالی که در نظام قبیله‌ای آن زمان نه روان‌شناسی شناخته شده بود و نه جرم‌شناسی مطرح بود. بلکه یک بدوی صحرانشینی بود. مگر مقید که توحش عرب قرن هفتم را به عنوان شریعت اسلام تا روز قیامت نگه دارید. این ذهنیتی عقب‌مانده است.» این دین‌پژوه در نهایت اذعان دارد که اگرچه می‌توان حدود را به عنوان احکام ثانویه در نظر گرفت و با بحث‌های کارشناسی یا حکم حکومتی لغو آن را جا انداخت اما «اگر بخواهیم تغییر ماهوی و اساسی داشته باشیم در جمهوری اسلامی نخواهیم توانست. لازمه آن این است که حکومت را جمهوری بدانید و نه جمهوری اسلامی. یعنی حکومت شرعی و اسلامی را منتفی بدانیم و حکومت عرفی مثل همه جای دنیا در ایران برقرار شود.»

وسمقی اما اعتقاد دارد که امروز همان‌طور که از برده‌گی گذشته‌ایم، سطح دانش و بینش انسان‌ها نیز ارتقا یافته است. پس «ما نمی‌توانیم همواره پایبند به روش‌های مجازات دنیای قدیم باشیم. امروز آن روش‌ها از نظر ما ناپسندند. همان‌طور که سبک زندگی انسان تغییر می‌کند، رشوهای مجازات و قوانین نیز به تدریج با توجه به تحولات زندگی، دانش و علم و تجربه انسان‌ها تغییر می‌کنند. این مساله اجتناب‌ناپذیر است.»

در چنین شرایطی نقش کنش‌گران مدنی پررنگ‌تر می‌شود. چه برای رای‌زنی و چه برای تبدیل کردن بحث لزوم لغو شلاق از مجازات اسلامی. روش‌های آن نیز همان‌طور که این دو دین‌پژوه به آن پرداختند، رایزنی با توسل به آمارها و ارقام و تاثیرات آن، همچنین حکم حکومتی یا در نظر گرفتن احکام ثانویه است. همان‌طور که علم و دانش در حال تغییر است، سبک زندگی ما و به تبع آن قوانین نیز در حال تحول‌اند. بلکه در درازمدت بتوانیم از مجازاتی چنین غیرانسانی به مانند برده‌گی بگذریم.

مهمی در دنیای اسلام می‌داند که البته در حال اتفاق افتادن است اما شاید با روندی کندتر از انتظار ما: «کند است به این دلیل که با مقاومت روحانیت سنتی مواجه است. آن‌ها دلایل کسانی را که می‌گویند این تفسیر از اسلام باید کنار گذاشته شود، درک نمی‌کنند. واقعا اسلام مدافع آن نیست که ما سبک زندگی‌مان یا روش‌های مجازات را تغییر ندهیم. همین امروز درباره موسیقی می‌گویند در زمان پیامبر اسلام موسیقی نبوده. خوب نبوده باشد. مگر همه چیز بایستی در آن زمان می‌بوده؟ این منطق محکوم است.»

در عین حال شلاق نوعی از شکنجه محسوب می‌شود. همان‌طور که در زمان حکومت محمدرضا پهلوی شلاق زدن به عنوان مصداقی از شکنجه شناخته شد و بسیاری از منتقدان و مخالفان حکومت شاهنشاهی به آن اعتراض داشتند. در آن زمان این روش بیشتر در قبال زندانیان سیاسی انجام می‌گرفت. اما همان‌طور که وسمقی نیز می‌گوید: «حال می‌بینیم برخی از کسانی که خودشان در آن زمان شلاق خورده بودند و این روش مجازات را شکنجه قلمداد می‌کردند، در حکومت جمهوری اسلامی شلاق به دست گرفته و بر بدن زندانیان زده‌اند. اسم آن را هم تعزیر اسلامی گذاشته‌اند. مگر می‌شود ما یک عمل را به دو اسم بخوانیم و توجیه‌اش کنیم؟ در واقع می‌خواهیم بگویم حتی از نگاه همین مسلمانان سنتی هم شلاق به عنوان شکنجه شناخته شده است. اما این مخالفت را در جایی می‌بینیم که اسم آن تعزیر یا در حکومت خودشان نباشد. شکنجه، شکنجه است و محکوم. حتی اگر اسم متفاوتی بر آن بگذاریم نمی‌توانیم ماهیت‌اش را تغییر دهیم.»

حسن یوسفی‌اشکوری در یادداشتی که چندی پیش منتشر شد، از هادی خامنه‌ای به عنوان «شکنجه‌گر» یاد کرده بود که در گفت‌وگویی که با هم داشتند، چنین پیش آمده بود: «گاهی با هم صحبت می‌کردیم و از جمله در آن ایام که موضوع شکنجه داغ بود، یک‌بار با هم صحبت می‌کردیم و من به شدت معترض بودم. ایشان به شدت موضوع اعمال شکنجه را منکر بود و می‌گفت شکنجه‌ای وجود ندارد. به استناد شواهدی که داشتم انکارش را به چالش کشیدم. در نهایت وقتی دید راهی برای انکار نمانده، گفت: بله! تعزیر هست ولی این که شکنجه نیست! بعد برای این که اعتماد به نفس‌اش و درواقع حقانیت‌اش را نشان دهد، فاتحانه و با افتخار گفت: من خودم در اوین تعزیر می‌کنم! تازه دانستم که آقای هادی خامنه‌ای خود یکی از شکنجه‌گران اوین است. (این که او به‌عنوان قاضی، حکم تعزیر می‌داده و یا تعزیر هم می‌کرده، نمی‌دانم). یک‌بار هم هادی غفاری در همان ایام همین جمله را به من گفت. یعنی گفت در اوین تعزیر می‌کنم.»

به کنوانسیون منع شکنجه، شلاق زدن را ظالمانه تلقی کرده و آن را اقدامی غیر انسانی و تحقیرآمیز می‌خواند.

از آن‌جا که در مقاله‌های دیگر همکاران مجله حقوق ما به ابعاد حقوقی قضیه پرداخته می‌شود، در این گزارش به برخی احکام شلاق‌های جنجالی سال‌های اخیر نگاهی انداخته‌ایم.

وقتی سوسن خواننده هم شلاق خورد

«شمس الملوک حمیدی»، معروف به سوسن، از خوانندگان مشهور کافه‌های خیابان لاله‌زار تهران بود که طرفداران بسیاری هم داشت. او بعد از وقوع انقلاب و تا پیش از این که در ملاءعام شلاق بخورد ایران را ترک نکرد.

سال ۱۳۶۱ بود که سوسن در جاده تهران-شمال همراه با عباس قادری، برادر ایرج قادری و چند تن دیگر از دوستانش دستگیر شد. به آن‌ها اتهام رابطه نامشروع زدند و گویا در صندوق عقب اتومبیل آن‌ها نیز مشروبات الکلی و مقداری مواد مخدر یافتند.

آن‌ها به تحمل شلاق محکوم شدند. بر اساس یاداشت های باقیمانده از آن روزها، از جمله خاطرات «محمدحسن سلیمانی» در وبلاگش به نام «ققنوس» ، روز اجرای حکم چند هزار نفر برای تماشای شلاق خوردن سوسن در میدان مرکزی مقابل مسجدالنبی شهر قزوین آمدند. او خودش را در یک چادر سیاه پیچانده بود، در مقابل مردم شلاق خورد و محل تعزیر را ترک کرد. سوسن یک سال بعد از این واقعه ایران را برای همیشه ترک کرد.

اجرای حکم شلاق پیمان عارف، اعتراض افکار عمومی
اسفندماه سال ۱۳۸۸، قاضی پیرعباسی، «پیمان عارف»، فعال سیاسی را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» ، «هانت به رئیس جمهور» ، «استفاده از تجهیزات ماهواره» و نیز با احتساب یکی از احکام سابق او در سال ۱۳۸۵ که به دست قاضی حداد صادر شده بود، به دو سال و نیم حبس، محرومیت مادام‌العمر از روزنامه‌نگاری و عضویت در احزاب سیاسی محکوم کرد. در کنار این احکام، عارف به تحمل ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم شد.

مهرماه ۱۳۹۰ و همزمان با پایان محکومیت این زندانی، عکس‌هایی از او با پشتی زخم شده از جای ضربات و یا در حالی که همسر و یکی از دوستانش زیر بازوی او را گرفته بودند، منتشر شد.

این عکس‌ها به سرعت در فضای مجازی دست به دست شدند و از آن جایی که او به اتهام توهین به «محمود احمدی‌نژاد»

به چنین وضعیتی دچار شده بود، نوک تیز انتقاد و اعتراض رسانه‌های بین‌المللی، متوجه رئیس جمهوری وقت شد. همان روزها احمدی‌نژاد در مقابل تقبیح عمومی گفت : «وقتی دانه‌درشت‌ها آزادانه به ما افترا می زنند راضی نیستم یک جوان را به خاطر توهین به رئیس جمهور شلاق بزنند.»

جنجال شلاق کارگران معدن طلای آق دره و برکناری مدیرکل کار استان

انتشار تصاویر اجرای حکم شلاق کارگران معترض معدن طلای آق‌دره در استان آذربایجان غربی، جنجال گسترده‌ای در فضای مجازی ایجاد کرد. این اقدام نابخردانه واکنش افکارعمومی را به شدت برانگیخت و در پی گسترش این اعتراضات در فضای مجازی، مدیر کل کار آذربایجان غربی از کارش برکنار شد.

شرکت «پویا زرکان» به عنوان پیمانکار معدن طلای آق‌دره در دی‌ماه سال ۱۳۹۳ قریب به ۳۵۰ تن از کارگرانش را با پایان یافتن مدت زمان قراردادشان اخراج کرد. برخی از کارگران، به اخراج همکاران‌شان اعتراض کردند.

«فرامرز توفیقی»، فعال حقوق کارگری در گفت و گویی با سایت تابناک، گفت که سه کارگر بی‌کار شده از معدن طلای آق‌دره در سال ۱۳۹۳ در جریان جرح و تعدیل نیروها خودکشی کرده بودند. به همین دلیل هم کارگران باقیمانده به خاطر بیکار شدن ۳۵۰ نفر از همکارانشان معترض بودند، اما به مطالباتشان نه تنها پاسخی در خور داده نشد، بلکه ۱۷ نفرشان به اتهام ایجاد اغتشاش و ازدحام محاکمه و به تحمل ضربات شلاق محکوم شدند.

اجرای حکم شلاق کارگران معدن آق دره به حدی پیش رفت که واکنش سخنگوی کمیسیاریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد را هم در پی داشت.

اجرای حکم شلاق یک زن در گلپایگان

اردیبهشت ماه سال ۹۵ بود که رسانه‌ها از اجرای حکم شلاق یک زن در ملاعام و در یکی از میداین شهر گلپایگان خبر دادند.

این زن که سال ۱۳۹۱ در مورد همسرش اعلام مفقودی کرده بود در ادامه روند تحقیقات پلیس، به همکاری با مردی که با او ارتباط نامشروع داشت برای قتل همسرش اعتراف کرد. مرد قاتل به صد ضربه شلاق حدی و قصاص و زن نیز به پانزده سال حبس و تحمل صد ضربه شلاق محکوم شد.

قاضی پرونده در مورد زن متهم تصریح کرده بود حکم این

زن باید در ملاعام و در یک محل عمومی در گلپایگان اجرا شود که این حکم با حضور مردم و خانواده متهم که متقاضی اعدام قاتل بودند در یکی از مراکز عمومی شهر گلپایگان اجرا شد.

شلاق برای عکاسان قزوینی ، حکم عجیبی که در نهایت اجرا نشد

«خلیل امامی» و «عباس علی‌پور»، دو عکاس قزوینی بعد از نقد کتاب «تصاویر جاذبه‌های دیدنی قزوین»، با شکایت مدیر کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری قزوین» مواجه شدند که مولف این کتاب بود.

این دو عکاس به علت توهین، به تحمل ۷۵ ضربه شلاق محکوم شدند. این حکم گر چه هرگز اجرا نشد و با پس گرفتن شکایت مدیر کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین غائله خاتمه یافت، اما در نوع خودش در احکام صادره برای اهالی مطبوعات تازگی داشت.

صدور حکم شلاق برای طرفداران تیم تراکتورسازی و معترضان به برنامه فتیله

۲۶ تن از هواداران تیم تراکتورسازی تبریز و معترضین به برنامه «فتیله» به اتهام «مشارکت در اخلال نظم و آسایش عمومی و ایجاد هیاهو و جنجال» در شعبه ۱۱۲ کیفری شهر تبریز به ریاست قاضی «محمدعلی پیری» به تحمل شلاق محکوم شدند.

این افراد در روز بیست و نهم آبان ماه سال ۱۳۹۴ در جریان بازی تیم تراکتورسازی و سیاه جامگان دستگیر شدند. اطلاعی در مورد اجرای احکام شلاق این افراد وجود ندارد.

صدور حکم ۴۴۴ ضربه شلاق برای یک وبلاگ نویس

با شکایت سه مدیر محلی و استانی، یک وبلاگ نویس و روزنامه نگار منتقد ساوه ای، به نام «محمدرضا فتحی» از سوی دادگستری ساوه با حکم ۴۴۴ ضربه شلاق مواجه شد. نفس تحمل ۴۴۴ ضربه در نوع احکام صادر منحصر به فرد است.

این حکم گر چه مورد اعتراض بسیاری از نهادهای حقوق بشری قرار گرفت اما دادگاه تجدید نظر در یک دهن کجی مطلق، حکم ۴۴۴ ضربه را به ۴۵۹ ضربه افزایش داد.

رادیو زمانه در این مورد نوشت پیش از این هم یک کاریکاتوریست اراکی به نام محمود شکرایه به ۲۵ ضربه شلاق محکوم شده بود که به دنبال اعتراض‌های صنفی و رضایت دادن شاکی، این حکم اجرا نشد و تغییر کرد.

۵۴ ضربه شلاق برای احمدرضاعابدزاده

فروردین ماه سال ۱۳۹۱ بود که رسانه های ورزشی از صدور حکم ممنوع الخروجی احمدرضا عابدزاده و تحمل ۵۴ ضربه شلاق برای او نوشتند.

او که در یک مصاحبه اظهار کرده بود پزشک معالجش دکتر مددی، نسبت به جراحی پای او بعد از آسیب دیدگی در برابر چین در سال ۱۳۷۲ اهمال کرده و پایش کوتاه و بلند شده است. دکتر مددی از عابدزاده، دروازه‌بان سابق تیم ملی ایران شکایت کرد. عابدزاده گفت هرگز احضاریه‌های دادگاه به دستش نرسیده و در جریان چنین شکایتی نبوده و شگفت زده شده وقتی با حکم شلاق و ممنوع الخروجی اش مواجه شده است.

با اینکه روز ششم تیرماه ۱۳۹۱ پایگاه خبری آفتاب از لغو حکم شلاق کاپیتان سابق تیم پرسپولیس و تبدیل آن به پرداخت دو میلیون تومان پول خبر داد، اما رسوب تحقیرآمیز این خبر کماکان بر پیکره ورزش باقی مانده است.

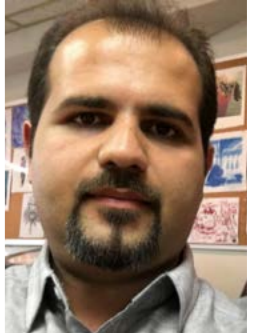
سمیه توحیدلو: غرورم شکست

سمیه توحیدلو، وبلاگ نویس و از فعالان ستاد میرحسین موسوی بود که در نخستین روزهای پس از انتخابات بحث برانگیز سال ۱۳۸۸ قریب به سه ماه بازداشت شد. او به یک سال حبس و تحمل ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد اما در دادگاه تجدید نظر، حکم او به همان پنجاه ضربه شلاق، کاهش یافت.

توحیدلو روز بیست و سوم شهریور سال ۱۳۹۰ در وبلاگش در مورد اجرای این حکم نوشت: «خوشحال باش. قصدت تحقیر بود. اعتراف می‌کنم احساس تحقیرشدگی تمام وجودم را سوزاند. آنقدر که گمان نبرم که تکرار شدنی باشد. امروز تحقیر شدم. حتی غرورم شکست.»

او گفت حکم شلاقش به شکل نمادین اجرا شده و ضربات آن آرام تر از حد قانونی بوده است اما علیرغم گفته‌های خانم توحیدلو، بسیاری از فعالان حقوق بشر نسبت به اجرای این حکم توسط یک مرد، آن‌هم در خصوص یک زن فعال سیاسی به شدت اعتراض کرده و گفتند که اجرای این حکم نشان از قشری و شبه‌طالبانی بودن نگاه حاکمیت دارد و نمادین بودن ماجرا، از شناخت اجرای این حکم نمی‌کاهد . بحث اجرای حکم شلاق خانم توحیدلو به مدت یک هفته از بحث‌های داغ فیسبوک، توییتر و فضای مجازی بود.

رضا مختار جوزانی



حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

